



بازبینی نقش جهانی آمریکا

مؤسسه کاتو سال ۲۰۱۶ با انتشار مقاله‌ای با عنوان «انتخاب‌های سیاست خارجی ما؛ بازبینی نقش جهانی آمریکا» () ضمن ارائه ۱۷ مقاله، کوشیده است تا نشان دهند کاربرد زور نظامی اگرچه همواره گزینه نامناسبی نیست، اما آمریکا به استفاده زیاد از نیروی نظامی نیاز ندارد و برای فائق آمدن بر مشکلات خود لازم است از هزینه‌های نظامی نیز بکاهد؛ و با تبیین رویکرد «خویش‌داری» عرصه‌های مختلف زمینه‌آشنایی با نوع متفاوتی از اندیشه سیاست خارجی در آمریکا را فراهم کند.

در مقدمه این مقاله موضوع خویش‌داری؛ رویکردی متفاوت در سیاست خارجی آمریکا به شرح زیر مورد بحث قرار گرفته است:

آمریکا به پشتوانه داشتن قوی‌ترین ارتش دنیا، همواره ابزار زور نظامی را برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی خود به کار گرفته است. نویسندگان مؤسسه کاتو در گزارشی که پیش روست، عنوان استیلا را به این رویکرد داده و کوشیده‌اند نشان دهند که کاربرد زور نظامی اگرچه همواره گزینه نامناسبی نیست، اما آمریکا به استفاده زیاد از نیروی نظامی نیاز ندارد و برای فائق آمدن بر مشکلات خود لازم است از هزینه‌های نظامی نیز بکاهد. آنان معتقدند آمریکا به‌ندرت و فقط متکی بر استدلال‌های کافی باید وارد درگیری‌های نظامی شود و از رویکردی با عنوان خویش‌داری حمایت می‌کنند که نفوذ آمریکا را زمانی قوی‌ترین خواهد بود که به‌واسطه ابزارهای صلح‌آمیز و نه نظامی توسعه یافته باشد. این رویکرد به‌طور خاص در زمینه ایران بر اجرای برجام و عمل به تعهدات آمریکا در این زمینه و ایجاد اعتماد متقابل از این طریق به قصد کاستن از بی‌اعتمادی‌های چهار دهه اخیر تأکید کرده و معتقد است سخت‌گیری‌های بیشتر در قبال ایران نتیجه مثبتی نخواهد داشت. هفده مقاله مندرج در این گزارش، رویکرد خویش‌داری را در عرصه‌های مختلف تبیین می‌کنند و زمینه‌آشنایی با نوعی متفاوت از اندیشه سیاست خارجی در آمریکا را فراهم می‌کند.

پیچیدگی‌های نیروهای مؤثر بر سیاست خارجی آن هم در کشوری با بزرگی، تأثیرگذاری و تکرر ایده‌ها نظیر آمریکا از ضرورت‌های تفکر راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی است. داشتن تصور مبتنی بر یکدست اندیشیدن و عمل کردن سیاست‌گذاران آمریکایی و ندیدن تفاوت‌های عمیق میان استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران سیاست خارجی آمریکا می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را از درک فرصت‌ها و تهدیدهایی که در راستای تأمین منافع ملی خود دارد محروم کند.

متون راهبردی نظیر آنچه در گزارش پیش رو مشاهده می‌شود، بازتابی از تحولات درونی جامعه آمریکا و شکل گرفتن نگاه‌ها به گزینه‌ها و الزامات سیاست خارجی این کشور نیز هست. گزارش نشان می‌دهد به‌تدریج مجموعه‌ای از

تحلیل‌گران راهبردی شکل گرفته‌اند که مداخله نظامی و امنیتی آمریکا در نقاط مختلف جهان به شیوه گذشته را نفی می‌کنند و خواهان مسئولیت‌پذیری بیشتر سایر کشورها در قبال امنیت خود هستند. این موضوع به صراحت درباره شبه‌جزیره کره، اتحادیه اروپا، کشورهای در خاورمیانه و شرق آسیا بیان شده است. نویسندگان گزارش به دلایل مختلف بر ضرورت کاهش هزینه‌های نظامی آمریکا نیز تأکید می‌کنند و الزامات ساختاری ناشی از افزایش بدهی‌های دولت آمریکا و پیامدهای ناشی از سیاست خویشتن‌داری را برای این امر ضروری می‌دانند.

سیاست خارجی همواره تحت تأثیر عوامل ساختاری و همچنین ایده‌های مجموعه‌ای از کنشگران است که عاملیت خود را وارد کرده و ایده‌های‌شان به جریان سیاستگذاری وارد می‌شود. آمریکا کشوری تأثیرگذار بر جهان و منافع کشوری نظیر جمهوری اسلامی ایران است و ضرورت دارد که علاوه بر شناخت شرایط ساختاری مؤثر بر سیاست خارجی این کشور، جریان‌های اندیشه و حتی یک به یک تحلیل‌گران راهبردی مؤثر بر سیاست خارجی آمریکا شناسایی و تحول اندیشه آن‌ها در روندی تاریخی بررسی شود. گزارش حاضر مجموعه‌ای از این‌گونه تحلیلگران را به خواننده معرفی می‌کند.

گزارش حاضر همچنین وضعیت متناقضی را که دولت دونالد ترامپ در آن قرار خواهد گرفت نشان می‌دهد. دونالد ترامپ بر ناسیونالیسم اقتصادی، افزایش ظرفیت‌های اقتصادی آمریکا که مستلزم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هاست، و ضرورت تأمین هزینه امنیت سایر کشورها توسط خودشان تأکید کرده است. تأکید ترامپ بر این که کشورهای نظیر ژاپن، کره جنوبی و عربستان باید هزینه امنیت خود را بپردازند با صدایی که تحلیل‌گران مؤسسه کاتو به گوش خواننده می‌رسانند سازگار است، اما ترامپ هم‌زمان ممکن است کاربرد بیشتر و سریع‌تر نیروی نظامی را نیز نظر داشته باشد که با الزامات اقتصادی ناشی از بازسازی اقتصادی آمریکا و توصیه‌های نویسندگان کاتو درباره عدم مداخله‌گرایی و استیلاجویی کمتر ناسازگار است. سیاست‌های بیان‌شده توسط ترامپ همچنین با گرایش‌های شرکت‌های اسلحه‌سازی که نمایندگان آن‌ها در اطراف وی حضور فعال دارند ناسازگاری‌هایی دارد. اما از سوی دیگر میان مواضع وی با توصیه‌های کاتو درباره روابط با روسیه و ناتو مشابهت بسیار زیادی به چشم می‌خورد.

ما اگر بر این فرض باشیم که جریان‌های اندیشه استراتژیک نظیر آنچه در اندیشه‌های آمریکایی جریان می‌یابد صرفاً بازتاب ایده‌های اشخاص نیست و در تعامل با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درون کشورها شکل می‌گیرد، گزارش کاتو را باید بازتابی از تحولات مهمی در داخل آمریکا تصور کنیم و هم‌زمان تناقضات میان توصیه‌های کاتو و راهبردهای دونالد ترامپ را نیز نمادی از تناقض‌هایی در نظر بگیریم که دولت ایالات‌متحده در سال‌های آینده پیش رو خواهد داشت.

تحلیل این تناقض‌ها و مسلط شدن بر همه جریان‌های اندیشه‌ورزی استراتژیک در آمریکا که هر کدام سهمی در شکل دادن به سیاست خارجی آمریکا در چهار سال آینده خواهند داشت و برای شناخت تعامل راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در دهه‌های آتی نیز ضرورت دارند، یکی از اهدافی است که مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در حوزه سیاست خارجی دنبال می‌کند. گزارش حاضر نیز بر همین مبنا ترجمه و ارائه شده است.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.